

سیندرلای غیر ایرانی

اشاره:

O محمد جعفری (قنوتی)

مدتی پیش، بنا به ضرورتی به یکی از شماره‌های «پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان»^۱ مراجعه کردم. در آن جا مقاله‌ای درباره افسانه‌های سیندرلا نظرم را جلب کرد. نویسنده آن مقاله، در حاشیه متن خود درباره کتاب «سیندرلای ایرانی»، تألیف شرلی کلیمو، با لحنی دردمندانه نوشته بود که این متن «اصالت و صبغه ایرانی ندارد». همین نکته، انگیزه تهیه و مطالعه آن کتاب و در نتیجه نوشته حاضر گردید. از این رو، نوشته خود را به پیشگاه آن بانوی محترم نویسنده که او را نمی‌شناسم، تقدیم می‌کنم.

زاویه‌های گوناگون انجام گرفته است. برخی منشأ آن را مصر باستان و برخی به چین نسبت می‌دهند، ولی آن‌چه مسلم است، اصل این افسانه غیراروپایی است.

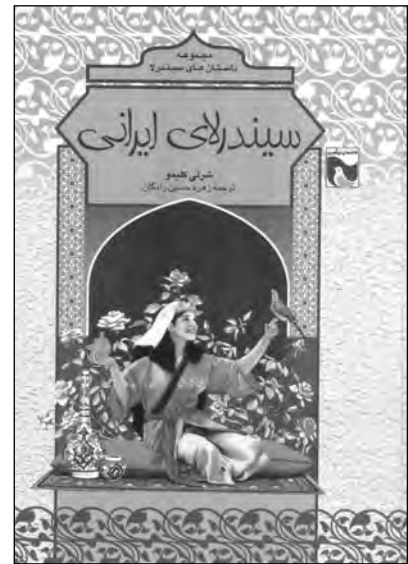
در میان افسانه‌های ایرانی نیز افسانه‌ای وجود دارد که بیشتر با نام «ماه‌پیشونی» معروف است. کمتر مجموعه‌ای از افسانه‌ها را می‌توان سراغ گرفت که در ایران چاپ شده باشد و روایتی از «ماه‌پیشونی» در آن به چشم نخورد. تا آن‌جا که نگارنده اطلاع دارد، قریب ششصد روایت از این افسانه در ایران ضبط و ثبت شده است. البته همه این روایت‌ها به مرحله چاپ و انتشار نرسیده‌اند. نگارنده پنج روایت از آن را در منطقه خوزستان، به زبان‌های فارسی و عربی، ضبط کرده است.

افسانه «ماه‌پیشونی» در خطوط کلی خود و در برخی از روایت‌ها حتی در جزئیات نیز با سیندرلا

شده است. یکی از مصداق‌های بارز این آشفته‌بازار، انتشار کتابی به نام «سیندرلای ایرانی» است که اولین کتاب از مجموعه چهار جلدی مستقلی با نام عمومی «مجموعه داستان‌های سیندرلا» است. کتاب‌های بعدی ظاهراً روایت‌های مصری، روسی و کره‌ای از همین افسانه هستند.

سیندرلا مشهورترین و احتمالاً محبوب‌ترین قصه‌های سحرآمیز است.^۲ روایت‌های متعددی از این قصه تاکنون در نقاط گوناگون دنیا ثبت و ضبط شده^۳ که تعدادی از آن‌ها به فارسی نیز ترجمه شده است. به جز آن‌چه برای کودکان منتشر شده، می‌توان به دو روایت ایتالیایی به نام‌های «آب در سبد» و «خوشه خرما» اشاره کرد که ایتالو کالوینو آن‌ها را در کتاب خود نقل کرده است.^۴ درباره این افسانه، پژوهش‌های فراوانی از

بارها این سخن را شنیده‌ایم که بازار ترجمه کتاب در ایران آشفته است. بسیاری از منتقدین و مترجمین کار آشنا، در موارد مختلف و به درستی، به این موضوع اشاره کرده‌اند. نگارنده ضمن تأیید این سخن، اضافه می‌کند که آشفته‌گی مزبور در عرصه ادبیات کودک و نوجوان، به دلایل گوناگون، نسبت به سایر عرصه‌ها بیشتر و در نتیجه غم‌انگیزتر است. بررسی این موضوع که بی‌گمان یکی از دلایل آن، مسایل اقتصادی و بهره‌برداری مادی فراوان مترتب بر آن است، خود به تنهایی می‌تواند موضوع پژوهشی جدی قرار گیرد. کافی است نگاهی اجمالی به ترجمه‌های گوناگونی بیندازیم که پیوسته از «افسانه‌های برادران گریم» انجام می‌گیرد و در اختیار کودکان ایرانی قرار می‌گیرد. بررسی این ترجمه‌ها، از اختلاف جدی برخی از آن‌ها با متن اصلی نشان دارد که در حقیقت، گویای آشفته بازار یاد



عنوان کتاب: سیندرلای ایرانی
 نویسنده: شرلی کلیمو
 مترجم: زهره حسین زادگان
 تصویرگر: رابرت فلورچاک
 ناشر: نشر آفرینگان
 نوبت چاپ: اول - ۸۱
 شمارگان: ۴۴۰۰ نسخه
 تعداد صفحات: ۳۲ صفحه
 بها: ۱۸۰۰ تومان

مشابهت دارد. مقایسه روایت‌های ایرانی با یکدیگر و با روایت‌های سایر ملل، یکی از مصادیق مهم افسانه‌پژوهی تطبیقی است که می‌تواند مورد توجه پژوهش‌گران قرار بگیرد. بررسی روایت‌های ایرانی این قصه، این نکته را روشن می‌کند که قریب به اتفاق آن‌ها هم از لحاظ ژرف ساخت (deep - structure) و هم از لحاظ روساخت (Surface - structure) منطبق با افسانه‌های ایرانی بوده و کم‌تر نشانی از تأثیر افسانه‌های سایر ملل را در خود دارند. متأسفانه آن‌چه در کتاب سیندرلای ایرانی ارائه شده، در اساس با این روایت‌ها متفاوت بوده و بیش از آن که با دنیای افسانه‌های ایرانی منطبق باشد، متأثر از افسانه‌های سامی است.

خلاصه کتاب

دختری در هنگام تولد، مادرش را از دست می‌دهد و به علت ستاره‌ای که برگونه دارد، ستاره نامیده می‌شود. پدرش با زنی که دو دختر دارد، ازدواج می‌کند. نامادری به همراه دخترانش، عمه‌ها و دخترعمه‌های ستاره که با آن‌ها در یک خانه زندگی می‌کنند، با ستاره دشمنی می‌ورزند و او را به گونه‌ای مداوم آزار می‌رسانند. ستاره بخشی از پولی را که پدرش برای خرید لباس نوروزی و جشن باارام شاهزاده مهرداد به او داده است، صرف

«سیندرلای ایرانی»
 در اساس با افسانه‌های ایرانی
 متفاوت بوده و
 بیش از آنکه
 با دنیای افسانه‌های ایرانی
 منطبق باشد متأثر از
 افسانه‌های ایرانی است
 در افسانه‌های ایرانی برخلاف
 افسانه‌های سامی عنصر و
 شخصیت «سحر»
 قایم بالذات است



عنوان کتاب: سیندرلای کره‌ای
 نویسنده: شرلی کلیمو
 مترجم: زهره حسین زادگان
 تصویرگر: روت هلر
 ناشر: نشر آفرینگان
 نوبت چاپ: اول - ۸۱
 شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه
 تعداد صفحات: ۴۲ صفحه
 بها: ۱۸۰۰ تومان

یعنی خودآگاهانه تصمیم می‌گیرد که چه عملی انجام دهد. نمونه‌های برجسته چنین برخوردهایی را در شاهنامه و سایر متون کلاسیک فارسی می‌توان سراغ گرفت. در داستان معروف اکوان دیو و رستم، زمانی که خواب بر رستم چیره می‌شود، اکوان دیو ظاهر می‌شود و پس از این که او را می‌گیرد و بر بالای دست می‌برد، از رستم می‌پرسد:
 یکی آرزو کن که تا از هوا
 کجات آید افکنند اکنون هوا
 سوی آبت اندازم از سوی کوه
 کجا خواهی افتاد دور از گروه
 رستم فکر می‌کند که اگر دیو او را در کوه اندازد، نجات نمی‌یابد.
 اما چون کار دیو واژگونه است، به اکوان دیو می‌گوید:
 به کوهم بینداز تا ببر و شیر
 ببندند چنگال مرد دلیر
 اما دیو بی‌توجه به گفته و درخواست رستم عمل می‌کند:

زرستم چو بشنید اکوان دیو
 برآورد بر سوی دریا غریو
 به جایی بخوهم فگندنت گفت
 که اندر دو گیتی بمانی نهفت
 به دریای ژرف اندر انداختش
 زکینه خور ماهیان ساختش

گرسنگی خود می‌کند و بخشی دیگر را به پیرزن بی‌نوایی می‌دهد و سرانجام، باقی مانده آن را به خرید خمره کوچکی اختصاص می‌دهد که بعدها مشخص می‌شود خاصیت جادویی دارد. روز جشن که فرا می‌رسد، ستاره به علت نداشتن لباس مناسب، نمی‌تواند همراه خانواده به کاخ شاهزاده برود. او در این هنگام، به خمره متصل می‌شود. خمره جادویی نیز لباس و زیورآلات مناسب را برای وی تهیه می‌کند و ستاره در هیأت شاهزاده زیبایی به جشن می‌رود، اما هنگام بازگشت، یکی از خلخال‌هایش گم می‌شود و از طریق همین خلخال، شاهزاده مهرداد او را می‌یابد و تصمیم به ازدواج با او می‌گیرد.
 در روز ازدواج، یکی از خواهران ناتنی ستاره، با دستیابی به خمره، ستاره را تبدیل به یک پرنده می‌کند، اما سرانجام شاهزاده مهرداد، پرنده را به حالت اول خود برمی‌گرداند.

سحر ایرانی، سحرسامی

یکی از تفاوت‌های اساسی افسانه‌های سحرآمیز ایرانی، با چنین افسانه‌هایی در فرهنگ سامی، به ماهیت و خویشکاری‌های شخصیت و عنصر سحر مربوط می‌شود. همان‌گونه که در جایی دیگر به این موضوع اشاره کرده‌ام^۵ شخصیت و عنصر سحر در افسانه‌های ایرانی قایم بالذات است؛



بررسی روایت‌های ایرانی
«ماه پیشونی» روشن می‌کند که
قریب به اتفاق آنها
از لحاظ ژرف ساخت و
روساخت منطبق با
افسانه‌های ایرانی است
و کمتر نشانی از
تأثیر و تأثر افسانه‌های
سایر ملل دارد



عنوان کتاب: سیندرلای روسی واسیلیای زیبا
نویسنده: الیزابت ویتروپ
مترجم: نسرین وکیلی
تصویرگر: الکساندر کوشکین
ناشر: نشر آفرینگان
نوبت چاپ: اول - ۸۱
شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۳۲ صفحه
بها: ۱۸۰۰ تومان

عنوان کتاب: سیندرلای مصری
نویسنده: شرلی کلیمو
مترجم: زهره حسین زادگان
تصویرگر: روت هلر
ناشر: نشر آفرینگان
نوبت چاپ: اول - ۸۱
شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۳۲ صفحه
بها: ۱۸۰۰ تومان

می‌دهد؛ تا جایی که باعث نابودی موقتی ستاره می‌شود: «وقتی ستاره با ملکه در باغ قصر قدم می‌زد، خواهرهایش مخفیانه به اتاقش رفتند و در صندوقش را باز کردند و خمره کوچک را برداشتند. لیلا کوزه را بالا نگه‌داشت و به آن دستور داد «گوش کن! ما می‌خواهیم ستاره برای همیشه از این جا برود. راهی به ما نشان بده که ما را از شرش خلاص کند.»

حتی اگر نخواهیم به سایر اجزای کتاب بپردازیم، همین نکته، غیر ایرانی بودن این روایت را نشان می‌دهد.

تصاویر کتاب

تصاویر کتاب نیز بیش از هر چیز یادآور دربار «هارون الرشید» در کتاب «هزار و یک شب» یا به قول اروپایی‌ها کتاب «شب‌های عربی» است. از میان همه تصاویر، فقط به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنیم که مربوط به شکل و قیافه «شاهزاده مهرداد» است.

آن چه از «شاهزاده مهرداد» تصویر شد، در همه اجزای آن کاملاً منطبق با مردان عرب بوده که از جمله می‌توان به محاسن او اشاره کرد که به زیبایی آرایش شده است. اگر این قصه، آن گونه که شرلی کلیمو گفته، بازمانده از هزار افسان کهن بوده و شخصیت مهرداد، بازآفرینی یکی از شاهزادگان

گرفت که عناصر سامی در قصه‌های ایرانی وجود ندارد.

دوم این که دیوها در افسانه‌های ایرانی، گاهی به دستور و خواست افراد انسانی عمل می‌کنند، اما در این وضعیت نیز ماهیت عمل آن‌ها آگاهانه بوده و با کارکرد عناصر و شخصیت‌های سحرآمیز افسانه‌های سامی متفاوت است. زیرا در وضعیت بادشده، معمولاً دیو از ترس جان یا به دلایل دیگر، از قهرمان افسانه اطاعت می‌کند.

در کتاب «سیندرلای ایرانی» عنصر سحرآمیز خمره‌ای است که ظاهراً «یک پری» در آن مخفی است. اگر چه خواننده هیچ گاه با تصویر پری روبه‌رو نمی‌شود:

«خمره شروع کرد به لرزیدن و نوک انگشتان ستاره سوخت. ناگهان هوا پر از عطر خوشی شد. خمره پر شده بود از گل‌های سفید. نفسش بند آمد: «این معجزه است» بیرون خمره مثل همیشه بود، ولی داخل آن شاید یک پری بود.»

البته در جایی دیگر، ستاره آشکارا به لیلا، خواهر ناتنی خود می‌گوید: «در خمره پری‌ای هست که کافی است آرزویم را به او بگویم» متناسب با افسانه‌هایی که ریشه‌های سامی دارند، خمره هنگامی که در دست ستاره است، کارکردی مثبت و زمانی که به دست خواهران بدجنس و ناتنی او می‌افتد، کارکردی منفی و حتی علیه ستاره از خود بروز

در صورتی که در افسانه‌های سامی، معمولاً عنصر یا شخصیت سحر، تحت نفوذ و قدرت انسان‌ها قرار دارد و از خود اراده‌ای ندارد و متناسب با درخواست کسی که در تملک اوست، دست به عمل می‌زند. برای او تفاوتی نمی‌کند که صاحب و ارباب او فردی شریک یا انسانی خیرخواه و مظلوم باشد.

بر همین اساس، در بیشتر روایت‌های «ماه پیشونی»، وقتی قهرمان افسانه با دیو روبه‌رو می‌شود، دیو به مثابه یک شخصیت مهم سحرآمیز، خود تصمیم می‌گیرد که بر پیشانی او ماه به وجود آورد و وقتی هم با خواهر بدجنس و ناتنی قهرمان روبه‌رو می‌گردد، باز هم خود تصمیم می‌گیرد که بر پیشانی او، نشانه‌ای از جسم خر ایجاد کند.^۶

اما در افسانه‌های سامی این گونه نیست و برای نمونه، «انگشتر حضرت سلیمان» یا «سفره حضرت سلیمان»، متناسب با خواست و اراده کسی عمل می‌کند که در اختیار اوست؛ حتی اگر آن فرد اشیای مذکور را زودیده باشد. از این ویژگی، می‌توان به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم در تشخیص افسانه‌هایی با ریشه ایرانی یا با بنیانی سامی استفاده کرد. ذکر این موضوع، نگارنده را وامی‌دارد تا به دو نکته اشاره کند. اول این که عناصر سحرآمیز سامی در افسانه‌های ایرانی، به دلایل فراوان از جمله مرادوات و امتزاج فرهنگی، نفوذ قابل توجهی ندارند. به عبارت دیگر، از گفته‌های فوق نباید این نتیجه را

ایرانی پیش از اسلام است، باید گفت که این تصویر هیچ‌گونه انطباقی با چنان شخصیتی ندارد.

در همهٔ اسناد تاریخی، بر اصلاح صورت از سوی ایرانیان باستان تأکید شده است. در ترجمهٔ تاریخ طبری، معروف به تاریخ بلعمی و در «ذکر پادشاهی پرویز»، فصلی تحت عنوان «نسخه نامهٔ پیغامبر علیه‌السلام که سوی خسرو پرویز نوشته بود» آمده است که در این زمینه بسیار راه‌گشاست. براساس این گزارش، وقتی حضرت محمد(ص) به پیغامبری برگزیده می‌شود، نامه‌ای به خسرو پرویز می‌نویسد و او را به دین اسلام دعوت می‌کند. خسرو پرویز از این نامه برآشفته می‌شود و نامه‌ای به کارگزار خود «بادان»، در یمن می‌نویسد و به وسیله

دو پیک برای او ارسال می‌کند: «... و رسولان را بفرمود که نخست به مدینه شوید و این مرد را سوی من خوانید تا من سخن وی بشنوم. اگر بباید، با او بازگردید... پس هر دو رسول برفتند و سوی پیغامبر شدند. ریش‌ها بسته و سبیل‌ها دراز کرده. پیغامبر علیه‌السلام چون ایشان را بدید، عجب آمدش و گفت، چرا چنین کردید؟ گفتند خدایگان ما، ما را گوید. امرنا ربنا ان نقص اللحیة و نعفوا عن الشوارب.

پیغامبر گفت: امرنی ربی ان اقص الشارب و اعفوا اللحیة. مرا خدای عزوجل چنین فرمود تا سبیل بستم و ریش عفو کنم.»^۱

سایر تصاویر کتاب نیز در عدم انطباق با فرهنگ ایرانی، دست کمی از تصویر «شاهزاده

تفاوت‌های اساسی با روایت‌های گوناگون «ماه پیشونی» (یا به تعبیری سیندرلای ایرانی) دارد. به همین دلیل، نگارندهٔ این سطور نمی‌تواند هیچ توجیه قابل قبولی در ترجمه و انتشار چنین متنی را برای خود تصور کند. آیا بی‌اطلاعی از ادبیات شفاهی ایران و دنیای رنگین افسانه‌های آن، علت چنین کاری بوده است یا این که بنا به مثل مشهور «مرغ همسایه غاز است» مترجم و ناشر تصور کرده‌اند که هم‌چون کالاهای صنعتی، نوع اروپایی نسبت به نمونه ایرانی از استحکام بیشتری برخوردار است؟

متأسفانه این موارد، خوش‌بینانه‌ترین تصویری است که انسان می‌تواند از این اقدام ناصواب داشته باشد. در هر حال، نقد و بررسی فعال چنین اقداماتی بیش از هر چیز به سلامت کار نشر یاری می‌رساند. ای کاش صاحب همتی سایر روایت‌های این مجموعه (روسی، مصری و کره‌ای) را با دقت مورد بررسی قرار می‌داد. ای بسا آن روایت‌ها نیز وضعیتی مشابه «روایت ایرانی» این مجموعه داشته باشند.

بعد از تحریر: یادآوری این نکته را ضروری می‌دانم که بخش‌هایی از روایت مورد بحث، مشابهتی کامل با قصه‌ای اندلسی، به نام «مادر زن

شیطان»^۲ دارد. با توجه به این که اندلس، قرن‌ها تحت سیطرهٔ اعراب بوده، شاید بتوان این تشابه را نیز به عنوان یکی دیگر از دلایل سامی بودن آن روایت محسوب کرد.

پی‌نوشت:

- ۱- پژوهشنامهٔ ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۳۳ و ۳۴، تابستان و پاییز ۱۳۸۲، نمود کلیشه‌های جنسی در افسانه‌های سیندرلا، صفیه امیرحسینی
- ۲- افسون افسانه‌ها، برنو بتلهایم، ترجمهٔ اختر شریعت‌زاده، نشر هرمس
- ۳- برخی از این روایت‌ها عبارتند از: کتی لباس چوبی (نروژی)، لنگه کفش بلوری (فرانسه‌ای)، سیندرلا (آلمانی)، واسیلیای زیبا (روسی)، نامادری پلید (کشمیری)
- ۴- افسانه‌های ایتالیا، ایتالوکالوینو، مترجم محسن ابراهیم؛ انتشارات نیلا، تهران ۱۳۷۸، صفحات ۱۳۷ و ۴۹۷
- ۵- این اصطلاحات را از استاد ارجمند، دکتر سعید حمیدیان وام گرفته‌ام (ر. ک. درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، نشر مرکز، ۱۳۷۲ ص ۳۶)

۶- کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۸۰ و ۸۱، خرداد و تیر ۱۳۸۳، فلک نازنامه و ادبیات شفاهی ایران، محمد

جعفری (قنوتی)

۷- برای روایت‌های مختلف ماه پیشونی، می‌توان به کتاب‌های زیر مراجعه کرد:

- الف) افسانه‌ها، صبحی مهتدی، انتشارات جامی، ماه پیشونی
ب) قصه‌های ایرانی، سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، انتشارات امیرکبیر، ماه پیشونی
ج) فرهنگ عامیانه سیرجان، مهری مؤید محسنی، مرکز کرمان‌شناسی، ماه پیشونی
د) افسانه‌های اشکوربالا، کاظم سادات اشکوری،



- انتشارات مرکز، مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، ماه پیشانی
ه) فسون فسانه، فرزانه سجادیپور، انتشارات سپیده سحر، ماه پیشونی
و) افسانه‌های شمال: سید حسین میرکاظمی، انتشارات روزبهان، ماه پیشانی
ز) چهارده افسانه از افسانه‌های روستایی ایران، حسین کوهی کرمانی
ح) افسانه‌ها و متل‌های کردی، علی اشرف درویشیان، نشر چشمه، ماه پیشانی
ط) فرهنگ مردم کرمان، لوریمر، به کوشش دکتر فریدون وهمن، بنیاد فرهنگ ایران، فاطمیکو
ی) نمونه‌هایی از قصه‌های مردم ایران، افشین نادری، نشر قصه، دختر ماه و ستاره
ک) افسانه‌های آذربایجان، صمد بهرنگی و بهروز دهقانی، انتشارات دنیا، فاطمه خانم
ل) افسانه‌های لری، داریوش رحمانیان، نشر مرکز، ننه ماهی

۸- تاریخنامهٔ طبری، گردانیدهٔ منسوب به بلعمی، به تصحیح و تحشیهٔ محمد روشن، انتشارات سروش، مجلد دوم ص ۸۲۶

۹- قصه‌ها و افسانه‌های اسپانیا، م. سویه، ترجمهٔ حسن سروقد، انتشارات جاودان خرد، مشهد ۱۳۷۷، ص ۴۱



مهرداد» ندارند، اما نگارنده برای پیش‌گیری از اطالة کلام، از بحث دربارهٔ آن‌ها خودداری می‌کند. با توجه به آن‌چه گفته شد، این متن